

همای رحمت

بخوان و حفظ کن

علی ای همای رحمت، تو چه آیتی خدا را
که به ماسوا فکندی همه سایه‌ی هما را

دل اگر خداشناسی، همه در رُخ علی بین
به علی شناختم من به خدا قسم، خدا را

برو ای گدای مسکین درِ خانه‌ی علی زن
که نگینِ پادشاهی، دهد از کرم گدا را

به جز از علی که گوید به پسر، که قاتل من
چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا

به جز از علی که آرد، پسری ابوالعجائب
که علَم کند به عالم، شهدای کربلا را

محمّدحسین بَهجَت تبریزی (شهریار)

پاسخ صفحه به صفحه درس فارسی پایه چهارم؛ طراح: سمیرا ابوالقاسمی

هما: پرنده ی سعادت و خوشبختی
رحمت: مهربانی
آیت: نشانه
ماسوا: موجودات

فکندی: انداختی
رخ: چهره
مسکین: بینوا، فقیر
نگین: سنگ قیمتی روی انگشتر

کرم: لطف، جوانمردی
مدارا: با ملایمت رفتار کردن
ابوالعجائب: پدر شگفتی ها
علم کند: معرفی کند